

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه معرفت

(فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه و کلام اسلامی)

سال شانزدهم، شماره ۴۷ / تابستان ۱۳۹۵

صاحب امتیاز:

دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده الهیات و ادیان

مدیر مسئول:

دکتر محمد مهدی باباپور

سر دبیر:

دکتر محمد علی شیخ

مدیر داخلی:

دکتر زکریا بهارنژاد

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب الفبا:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی (استادیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر سید علی اکبر افجه‌ای (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر رضا اکبریان (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر محسن جوادی (دانشیار دانشگاه قم)، آیت الله دکتر سید حسن سعادت مصطفوی (دانشیار دانشگاه امام صادق)، دکتر حسن سعیدی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر محمد علی شیخ (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر منوچهر صانعی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) دکتر قربان علمی (دانشیار دانشگاه تهران)

همکاران علمی این شماره به ترتیب الفبا:

دکتر حسین اترک، دکتر زکریا بهارنژاد، دکتر منیر السادات پور طولمی، دکتر محسن جاهد، دکتر مریم خوشدل روحانی، دکتر اسماعیل دارابکلایی، دکتر مریم سالم، دکتر میثم سفیدخوش، دکتر سید محمد اسماعیل سید هاشمی، دکتر اصغر واعظی، دکتر حسین واله

مترجم چکیده‌ها:

دکتر محمد رضا عنانی سراب

ویراستار:

فروغ کاظمی

صفحه آرا:

مریم میرزایی

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، دفتر مجله کد پستی: ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱

www.sbu.ac.ir/maaref/ayenehmarefat
E-Mail: ayenehmarefat@sbu.ac.ir

تلفکس: ۲۲۴۳۱۷۸۵ تلفن: ۲۹۹۰۵۶۹۴
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه شهید بهشتی

در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ طی نامه ۲۰۵۱۳۹/۳/۱۸ رتبه علمی پژوهشی فصلنامه آینه معرفت توسط کمیسیون نشریات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری تمدید اعتبار شده است.

فصلنامه آینه معرفت در سایت زیر به طور تمام متن قابل بازیابی است:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام www.ISC.gov.ir
پایگاه نشر دانش (پند) www.SCJ.sbu.ac.ir

سال نشر: ۱۳۹۵

توجه: مسئولیت مطالب و نظریات مطرح شده در مقاله‌های این فصلنامه بر عهده نویسندگان آن است و چاپ آنها به معنای تأیید آنها نیست.

راهنمای نگارش مقالات

از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود از ارسال مقالاتی که مطابق شیوه‌نامه نیست، خودداری فرمایند؛ صرفاً مقالاتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که مطابق شیوه‌نامه نگاشته شده باشند.

۱. مشخصات نویسنده: نام و نام‌خانوادگی، مرتبه علمی و سازمان متبوع صاحب اثر (مؤلف / مترجم)، نشانی دقیق پستی و الکترونیکی و تلفن تماس در پایان مقاله آورده شود.

۲. تصمیم‌گیری در مورد چاپ مقاله‌ها توسط هیئت تحریریه و دو داور متخصص صورت می‌پذیرد.

۳. مقاله در نشریه دیگر چاپ نشده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.

۴. مقالات دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی در صورتی برای داوری ارسال خواهد شد که نام استاد راهنما نیز ذکر شده باشد.

۵. موضوع مقالات: مقاله‌های ارسالی مرتبط با زمینه‌های تخصصی فلسفه و کلام اسلامی به یکی از سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی پذیرفته می‌شود.

۶. اجزای مقاله: عنوان مقاله، چکیده فارسی و انگلیسی، کلید واژه‌ها، مقدمه، متن، نتیجه، ارجاعات توضیحی، منابع؛ مقاله در کادر مشخص شده مجله (راست، چپ و پایین ۴/۵ سانتیمتر و بالا ۶ سانتیمتر) و قلم زر ۱۳، حداکثر ۲۵ صفحه - تنظیم شود.

۷. دریافت مقاله فقط از طریق سامانه پند، سامانه مدیریت نشر به آدرس www.scj.sbu.ac.ir امکان پذیر است.

۸. معادل اصطلاحات و اعلام بلافاصله پس از اصطلاح یا نام در داخل پرانتز آورده شود.

۹. اعلام ناآشنا اعراب گذاری شود.

۱۰. منبع تبدیل سال‌ها از هجری به میلادی یا بالعکس: وستفلد، فردیناند و ادوارد ماهر، تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله هجری قمری و میلادی، مقدمه و تجدیدنظر از حکیم‌الدین قریشی، تهران، فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۶۰.

۱۱. در پایان مقاله، نخست ارجاعات توضیحی آورده می‌شود که صرفاً شامل توضیحات ضروری است نه ارجاع به منابع.

۱۲. شیوه ارجاع به منابع: به جای ذکر منابع در زیرنویس یا پایان مقاله، در پایان هر نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم مراجع مربوط، به این شکل داخل پرانتز قرار داده شود: (نام‌خانوادگی مؤلف، صفحه). چنانچه بیش از یک اثر از مؤلف ذکر شود، منبع به این شکل ارائه گردد: (نام‌خانوادگی مؤلف، عنوان مقاله یا کتاب، صفحه).

۱۳ فهرست الفبایی منابع (فارسی و غیرفارسی جدا):

- کتاب:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، عنوان کتاب، شماره جلد، نام مترجم یا مصحح و غیره، محل نشر، نام ناشر، سال نشر.

- مقاله:

الف) چاپ شده در مجموعه یا دایرةالمعارف :

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، عنوان مجموعه یا دایرةالمعارف، اهتمام کننده، محل نشر، نام ناشر، سال نشر، صفحه‌ها.

ب) چاپ شده در مجلات:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام مجله، دوره یا جلد، شماره (فصل / ماه و سال)، صفحه‌ها.

ج) چاپ شده در روزنامه:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام روزنامه، شماره (روز و ماه و سال)، صفحه.

- سند:

نام سازمانی که سند در آنجا نگهداری می شود، شماره پرونده، شماره سند.

لطفاً میزان تحصیلات، رتبه و پایه علمی، محل کار دانشگاهی، شماره تلفن منزل و محل کار، تلفن همراه، نشانی، شماره کد یا صندوق پستی و پست الکترونیک خود را در برگه‌ای مجزا همراه مقاله ارسال نمایید.

فهرست مطالب

۷	بازخوانی نظریه صور مرتسمه در علم الهی از دیدگاه ابن سینا، مریم سالم
۸	نظریه معرفت‌شناسی ابن حزم، محمدرضا مرادی - علیرضا جلالی
۹	رابطه باید و هست در دیدگاه محقق اصفهانی، حسین احمدی
۱۰	رابطه سنت‌گرایی با معرفت دینی، صالح حسن‌زاده - مهدی شیخ
۱۱	نظریه سلولی اخلاق با تأکید بر آرای علامه طباطبائی، عبدالله صلواتی
۱۲	نگاه لذت‌گرایانه به آفرینش، حسین مقیسه
۱۳	ارزش معرفت از نگاه لیندا زاگزبسکی، محمدرضا باقری - مجید ملایوسفی
	<i>Reconsideration of Theory of Imprinted Forms in Divine Substance from Avicenna's Point of View, Maryam Salem</i> 16
	<i>Ibne- Hazm's Theory of Epistemology, Mohammadreza Moradi- Alireza Jalali</i> 17
	<i>The Relationship between Moral "Ought to" and "Is" from Mohaghegh Isfahani's Perspective, Hossein Ahmadi</i> 18
	<i>The Relationship between Traditionalism and Religious Knowledge, Saleh Hassanzadeh- Mehdi Sheikh</i> 19
	<i>Cell Theory of Morality with an Emphasis on Allameh Tabatabai's Views, Abdollah Salavati</i> 20
	<i>A Joy-Seeking Look on Creation, Hossein Moghiseh</i> 21
	<i>The Value of Knowledge from Zagzebski's Point of View, Mohammad Reza Bagheri -Majid Mollayousefi</i> 22

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University
کد مقاله : ۸۵۶۹

بازخوانی نظریه صور مرتسمه در علم الهی از دیدگاه ابن سینا

مریم سالم *

چکیده

یکی از معضلاتی که فلسفه ابن سینا را به شدت دچار چالش نمود، نظریه صور مرتسم در ذات الهی به عنوان متعلقات علم الهی در مرتبه ذات و قبل از ایجاد موجودات بود. غزالی، شیخ اشراق، خواجه طوسی و بسیاری از متفکران اسلامی، اعم از متکلم و فیلسوف، با بی‌اعتمادی به این نظریه سراغ راه‌های دیگری برای تبیین علم الهی رفتند. ملاصدرا ضمن موافقت با دیدگاه کلی ابن سینا تلاش می‌کند تا بتواند مطلب را به گونه‌ای بیان کند که این لوازم و توالی فاسد مطرح نشود. از این رو می‌توان مدعی شد که نظریه ملاصدرا در باب کیفیت علم الهی به موجودات در مرتبه ذات و قبل از ایجاد آنها، همان نظر ابن سیناست ولی با برطرف نمودن نقاط ضعف آن و تقویت و مبرهن نمودن نقاط قوه آن. کلیدواژه‌ها: ابن سینا، ملاصدرا، واجب الوجود بالذات، عقل، صور مرتسمه، علم الهی.

نظریه معرفت‌شناسی ابن حزم*

محمدرضا مرادی**
علیرضا جلالی***

چکیده

در نظریه معرفت‌شناسی ابن حزم اندلسی، همچون دیگر نظریه‌های مبنایگروان سنتی در حوزه شناخت، معارف به باورهای پایه (معارف اولیه) و باورهای غیر پایه (معرفت تالیه) تقسیم شده است. او مجموعه‌ای از مواد قیاس در منطق ارسطویی را، با مصادیقی متفاوت با دیدگاه رایج، به عنوان معرفت فطری و معرفت حسی معرفی می‌کند. دیگر معارف (باورهای غیر پایه) نیز در قالب برهان ضروری بر آن مقدمات یقینی مبتنا دارند. در این مقاله نظریه معرفت‌شناسی ابن حزم به همراه نقطه نظرات او درباره ادراک حسی، ادراک عقلی و ویژگی‌ها، توانایی‌ها و محدودیت‌های این ادراک از آثار منطقی، کلامی و اصولی او استخراج شده است. غرض ابن حزم از ارائه نظریه شناسایی، کاربرد آن در بیان اعتقادات مذهب ظاهری و دفاع از آن، نقد مخالفان و ایجاد پشتوانه‌ای محکم برای علوم بشری- که از نظر او تماماً می‌تواند کاربرد دینی داشته باشد- بوده است. بر این اساس این نظریه را باید یکی از مؤلفه‌های نظام منسجم فکری وی به‌شمار آورد. او مفاد نظریه را سازگار با آیات قرآن کریم و ابزار شناخت آن را موهبتی الهی و در راستای غایت آفرینش انسان می‌داند. در نگاهی اجمالی، تنها نقاط ضعف و قوت این نظریه - به لحاظ انسجام درونی- بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: ابن حزم، نظریه معرفت‌شناسی (شناخت؛ شناسایی).

این مقاله از رساله دکتری رویکرد ابن حزم در نقد کتاب مقدس استخراج شده است.

** moradi169@gmail.com

*** دانشجوی دکتری کلام (فلسفه دین) دانشگاه پیام نور تهران

alirezajalali26@yahoo.com

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۹۵

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University

کد مقاله: ۹۷۱۰

رابطه باید و هست در دیدگاه محقق اصفهانی

حسین احمدی *

چکیده

فرااخلاق به مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق می‌پردازد. مباحث منطقی یکی از موضوع‌های فرااخلاقی است که به استنتاج مفاهیم و گرازه‌های اخلاقی می‌پردازد؛ بنابراین، رابطه باید و هست در دیدگاه محقق اصفهانی در زمره مباحث منطقی فرااخلاق قرار دارد که به آن پرداخته نشده است. نویسنده در این مقاله درصدد است تا دیدگاه محقق اصفهانی را درباره ارتباط جمله‌های اخلاقی تبیین و بررسی کند. محقق اصفهانی می‌کوشد جزئی بودن جمله‌های اخلاقی را اثبات کند. ایشان رابطه جمله حاوی «باید اخلاقی» و «هست اخلاقی» را رابطه استنتاجی نمی‌داند، بلکه رابطه هم‌معنایی را میان آن‌ها قلمداد می‌کند. و رابطه جمله حاوی «باید اخلاقی» و «هست غیراخلاقی» را به صورت استنتاجی می‌پذیرد و نام استنتاجش را جدل می‌نامد. ایشان، جمله‌های اخلاقی را فوق‌مظنونات و مفید تصدیق جازم می‌داند. به نظر می‌رسد اشکال بیان محقق اصفهانی، حذف معنای «ایجاد انگیزه» در «باید اخلاقی» است.

کلیدواژه‌ها: فرااخلاق، جمله اخلاقی، مسئله باید و هست، یقینیات، جدل.

رابطه سنت گرایی با معرفت دینی

صالح حسن زاده *

مهدی شیخ **

چکیده

جریان سنت گرایی یکی از گفتمان‌های مهم دوران معاصر است که به بررسی «سنت» به عنوان پدیده‌ای با منشأ الهی می‌پردازد. جریان سنت گرا، هر سنتی را جلوه‌ای از جلوه‌های خورشید هدایت و موجی از دریای حقیقت می‌داند. این نوشتار، با رویکردی گزارشی، تحلیلی به این موضوع می‌پردازد که نظریه سنت گرایی تا چه اندازه می‌تواند با معرفت دینی ارتباط پیدا کند. وحدت متعالی ادیان، از جمله مؤلفه‌های گفتمان سنت گرایی است که به نوعی حاصل رویکرد آنان را به ادیان نشان می‌دهد. سنت‌گرایان با تکیه بر تنوع ضروری وحی‌ها، اصل راست آیینی، تمایز قلمرو ظاهر و باطن و وحدت درونی ادیان می‌کوشند و جوه اختلافی میان ادیان را کنار زده، به گوهر مشترک میان آنها دست یابند. از این منظر، اختلاف میان ادیان، سطحی و ظاهری است و همه ادیان در سطحی متعالی به وحدت می‌رسند. مقاله حاضر پس از تشریح محتوای اصول یاد شده از نظر سنت‌گرایان، به نقد و بررسی این مفهوم در گفتمان سنت گرایی می‌پردازد. همچنین سنت گرایی با توجه به اینکه به اصل یگانه و متعالی میان ادیان و سنن معتقد است و متناظر با این اصل در نهاد انسان‌ها نیز قایل به اصلی متعالی است، راه تعامل میان ادیان را هموار کرده است و از آنجا که ادراکات حضوری و شهودی و نیز باور به وحی و خدا، جزء اصول سنت گرایی است، می‌توان آن را با ادیان وحیانی سنجید. اما از آنجا که سنت گرایی هیچ دین یا مسلکی را برتر از ادیان یا مسلک‌های دیگر نمی‌داند و هر دینی را برای پیروان خود ارزشمند و مطلق می‌پندارد، قابل تطابق کامل آن با یک دین و مسلک نیست.

کلیدواژه‌ها: سنت گرایی، معرفت دینی، حکمت خالده وحدت متعالی ادیان، معرفت‌شناسی دینی، تکثرگرایی دینی.

نظریه سلولی اخلاق با تأکید بر آرای علامه طباطبایی

عبدالله صلواتی *

چکیده

در تئوری‌های متنوعی که در حوزه فرااخلاق مطرح است، اصول اخلاقی در یکی از دو راهی جهان‌شمولی یا جهان‌ناشمولی قرار می‌گیرد، اما نگارنده در این جستار تلاش کرده تا راه سومی باز کند؛ راه سومی که در آن، اخلاق به مثابه سلولی زنده با هسته پایه موسوم به هسته غیرفروکاهشی یک تلقی می‌شود. این هسته مشتمل بر بایدها و نبایدهاست و به‌حسب حضورش در محیط‌های همانند دین، زیست‌بوم و زیست‌نوع انسانی گسترش یا کاهش مصادیقی یافته یا تضعیف شده یا تقویت پیدا کرده یا مختل می‌شود؛ البته این سلول اخلاقی در همه محیط‌های یاد شده، هسته سخت غیرفروکاهشی جهان‌شمول دارد. اما هسته‌های جدید، به‌حسب مفهوم و فضایل چهارگانه، مشترک با هسته اولیه و به‌لحاظ مصادیق جدیدش، هویت غیرجهان‌شمول دارد و متفاوت با هسته اولیه است؛ همانند سلول زنده که در بافت‌ها و اندام‌های مختلف، ظهور و کارکردهای آن تغییر می‌کند. بنابراین پرسش پایه این جستار عبارت است از: چگونه می‌توان اخلاق را از دیدگاه علامه طباطبایی هم‌جهان‌شمول و هم وابسته به دین، زیست‌بوم و زیست‌نوع و در نتیجه غیرجهان‌شمول دانست؟ دستاوردهای این پژوهش عبارت‌اند از: نظریه سلولی مستنبط از دیدگاه‌های علامه طباطبایی چهارهسته متنوع دارد که اخلاق به‌حسب هسته نخست، جهان‌شمول و غیرفروکاهشی است، اما به‌لحاظ مصادیق متفاوت دیگر هسته‌ها، غیرجهان‌شمول، یعنی، منطقه‌ای، گروهی و گاهی شخصی است. همچنین، برخی احکام و لوازم نظریه سلولی عبارت‌اند از: یکم، تقسیم اخلاق به اخلاق متعارف و اخلاق متعالی؛ دوم، تنوع شناخت، تشخیص و داوری اخلاقی؛ سوم، رفع ابهام تعارض میان وابستگی دین و اخلاق و عدم وابستگی آن دو به یکدیگر؛ چهارم، ابطال مرزبندی ثابت میان رفتار واجب، خنثی و فداکارانه افراطی؛ پنجم، نظریه سلولی با نسیب‌انگاری اخلاقی تفاوت جوهری دارد.

کلیدواژه‌ها: نظریه سلولی اخلاق، نسیب‌گرایی اخلاقی، دین، علامه طباطبایی.

نگاه لذت‌گرایانه به آفرینش

حسین مقیسه *

چکیده

سعادت و خوشبختی انسان قبل از هر چیز بستگی به نوع جهان‌بینی و تفکر او دارد. نوع نگاه می‌تواند امید، نشاط، سرزندگی و تحرک و عشق و محبت بیافریند یا برعکس سبب دلمردگی، یأس و نومیدی، بدبینی و نفرت و کینه و انزجار گردد. از این جهت درد و درمان انسان، درونی است هر چند تأثیر عوامل بیرونی را نمی‌توان انکار کرد ولی درصد این تأثیرها قابل مقایسه نیستند. کم نیستند کسانی که از نظر امکانات مادی، از حداقل‌ها برخوردارند ولی دارای زندگی شاداب، با نشاط و روابط گرم و صمیمی و شیرین با یکدیگر هستند و برعکس افراد فراوانی هم سراغ داریم که با داشتن بالاترین امکانات مادی و رفاهی، حتی زنده بودن خود را قابل تحمل نمی‌دانند و از آنجا که پشتوانه درونی و فکری ندارند خود را پوچ و به آخر خط رسیده می‌بینند اکثر آنها که دست به خودکشی می‌زنند کسانی‌اند که به پوچی و بیهودگی رسیده‌اند.

درک و باور هدف خلقت و فلسفه وجودی انسان، از افکار فاخر و نابی است که می‌تواند انسان را به افق‌های بسیار والا و ارزشمند برساند و طعم شیرین حیات و زندگی و امید به آینده را در این وانفسای بحران هویت انسانی ارزانی او نماید. در این جهان‌بینی، خدای رحمن و رحیم که خود منبع و منشأ خیر و لذت و رحمت است انسان را برای لذتی همه جانبه، خالص و بی‌پایان آفریده که این لذت می‌تواند از همین دنیا آغاز گردد و تا بی‌نهایت ادامه یابد. این نوشته به پشتوانه برخی آیات و روایات و به استناد کلمات و نظرات برخی بزرگان عرصه تفکر دینی، به دنبال اثبات همین مطلب است.

کلیدواژه‌ها: ابتهاج عقلی، لذت خالص و بی‌نهایت، فلسفه وجودی دوزخ، خلود دوزخیان.

ارزش معرفت از نگاه لیندا زاگزبسکی

محمدرضا باقری *

مجید ملایوسفی **

چکیده

در دیالوگ منون، افلاطون به مسئله‌ای اشاره می‌کند که امروزه نزد معرفت‌شناسان به مسئله ارزش معرفت مشهور است. این مسئله ریشه در دو مقدمه پذیرفته شده در حوزه معرفت‌شناسی دارد. بر اساس مقدمه نخست، معرفت به طور کلی به باور صادق موجه یا تضمین شده تعریف می‌شود. مقدمه دوم نیز به این نکته اشاره دارد که ارزش توجیه یا تضمین حداقل در ظاهر امر بر گرفته از ارزش باور صادق و در نتیجه قابل فروکاستن به ارزش صدق است. لیندا زاگزبسکی از جمله معرفت‌شناسانی است که با مبنا قرار دادن این دو مدعی شده است که نظریه‌های برون‌گرا و به ویژه نظریه‌های اعتمادگرا قادر به گذر از دام معضل ارزش نیستند. پیشنهاد زاگزبسکی برای تبیین ارزش معرفت، بازنگری در رابطه دانسته و داننده است. از نظر وی همان‌گونه که افعال به واسطه انگیزه‌های فرد دارای ارزش مضائف

می‌شوند، باورها نیز به واسطه انگیزه‌های معرفتی شخص ارزشی مضائف از ارزش صدق کسب می‌کنند و به مرحله معرفت می‌رسند. به عقیده وی عشق به حقیقت مبنایی‌ترین و اساسی‌ترین انگیزه‌ای است که سبب ارزشمند شدن معرفت می‌شود. هرچند تبیین زاگزبسکی به نظر دچار معضلی نشده است که متوجه نظریه‌های اعتمادگرا است، با این حال در معرض نقدهای جدی دیگری است که در نوشتار حاضر سعی شده به بخشی از آن پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: مسئله ارزش معرفت، معضل بلعیدن، لیندا زاگزبسکی، اعتمادگرایی.

AYENEH MA'REFAT

(Research Journal of Islamic Philosophy and Theology)

No. 47/ Vol. 16/ Summer 2016

Proprietor

Shahid Beheshti University
Faculty of Theology and Religious Studies

Director

Mohammadmehdi Babapoor, PhD

Editor-in- chief

Mohammad Ali Sheykh, PhD

Executive Manager

Zakaria Baharnezhad, PhD

Advisory Panel

Seyyed Ali Akbar Affei, PhD; Reza Akbarian, PhD; Mohammad Ebrahimi V., PhD; Ghorban Elmi, PhD; Mohsen Javadi, PhD; Hassan Saeidi, PhD; Manoochehr Sanei, PhD; Mohammad Ali Sheykh, PhD

Reviewers

Hossein Atrak, PhD; Zakaria Baharnezhad, PhD; Esmaeil Darabkolai, PhD; Mohsen jahed, PhD; Maryam Khoshdel Rohani, PhD; Monirosadat Portolami, PhD; Maryam Salem, PhD; Misam Sefidkhosh, PhD; Mohammad Esmaeil Seyyed Hashemi, PhD; Asghar Vaezi, PhD; Hossein Valeh, PhD.

Translator

Mohammad Reza Anani Sarab, PhD

Executive Editor

Forough Kazemi

Typesetter

Maryam Mirzaie

Address

*"Ayeneh Ma'refat" Office ,Faculty of Theology and Religious Studies,
Shahid Beheshti University, Evin, Tehran*

Postal Code

1983969411

www.sbu.ac.ir/maaref/ayenehmarefat

E-Mail:ayenehmarefat@sbu.ac.ir

Tel.Fax :+98-21-22431785 **Tel**:+98-21-29905694

Print & Binding: *Shahid Beheshti University Printing House*

Note: *The published articles are not the view points of the Quarterly .*

Ayneh Ma'refat is available in following Web Sites in fulltext form

www.ISC.gov.ir
www.SCJ.sbu.ac.ir

Printed in :1395

Reconsideration of Theory of Imprinted Forms in Divine Substance from Avicenna's Point of View

Maryam Salem*

Abstract

One of the problems that have extremely challenged Avicenna's philosophy is the theory of imprinted forms in the divine substance as the attributes of divine knowledge before creation.

Mistrusting this theory, Ghazali, Suhrawardi, Tusi and many other Islamic scholars, including theologians and philosophers relied on other ways of explaining the divine knowledge. Mulla Sadra who was in agreement with the general view of Avicenna tried to express it in such a way that it would get rid of its false inevitable results. Therefore it can be claimed that Mulla Sadra's theory of the qualification of the divine knowledge before creation was taken from Avicenna, but it was purged of its weaknesses and its strengths were highlighted.

Key Terms: *Avicenna, Mulla Sadra, necessary being, reason, imprinted forms, divine knowledge.*

* Shahid Beheshti University

m_salem@sbu.ac.ir

Reception date: 94/9/16

Acceptance date: 95/1/25

Ibne- Hazm's Theory of Epistemology

Mohammadreza Moradi *
Alireza Jalali **

Abstract

In Ibne- Hazm's epistemology, as that of other classic foundationalists, knowledge is divided into basic beliefs (a priori knowledge) and non-basic beliefs (a posteriori knowledge). He has introduced a collection of syllogistic matters in Aristotelian logic, with extensions (denotations) different from those current at the time, as innate and perceptual knowledge. The other type of knowledge (non-basic beliefs) consists in these certain premises through essential demonstration. Drawing on Ibne-Hazm's works on logic, theology and basic principles, the present article attempts to explain his views on perceptual experiences and intellectual understanding and to identify their strong points and limitations. Ibne-Hazm's purpose in proposing his epistemology was to use it instrumentally in explaining Zahiriah beliefs, defending this school, criticizing its opponents, and creating a strong fulcrum for human sciences that can be employed for religious purposes. Therefore this theory is one of the important components of his intellectual system. Ibne- Hazm considered his theory of epistemology consistent with the Quranic verses and thought of its knowledge instruments as a divine bless consistent with the purpose of man's creation.

Key Terms: *epistemology, Ibne- Hazm.*

* Payam Noor University, Tehran Branch

moradi169@gmail.com

** Payam Noor University, Isfahan Central Branch

alireza_jalali26@yahoo.com

The Relationship between Moral “Ought to” and “Is” from Mohaghegh Isfahani’s Perspective

Hossein Ahmadi*

Abstract

Meta-ethics deals with the conceptual and affirmative principles of morality. One of the issues in meta-ethics is logical discussion which deals with the deduction of moral concepts and propositions, therefore the relationship between moral “is” and “ought” from the perspective of Mohaghegh Isfahani can be considered a metalogical issue that has not received due attention. The present article is an attempt to delineate Mohaghegh Isfahani’s views on the relationship between moral statements. Mohaghegh Isfahani tries to prove the logicity of moral statements. He considers the relationship between moral “ought to” and “is” not a deductive one but one which shows semantic overlap. He agrees that the relationship between immoral good and moral “ought to” is deductive. He calls this type of relationship “debate”. He believes in the certainty of moral statements. It seems that his blind eye on provocation, as an integral part of the meaning of “Ought to”, is problematic.

Key Terms: *meta-ethics, moral statement, issue of “ought” and “is”, certainties, debate.*

* Imam Khomeini Education and Research Institute

hosseina5@yahoo.com

Reception date: 94/11/13

Acceptance date: 95/3/22

The Relationship between Traditionalism and Religious Knowledge

Saleh Hassanzadeh *

Mehdi Sheikh **

Abstract

The discourse of traditionalism is one of the important discourses of the present time which is concerned with the study of tradition as a phenomenon of divine origin. Traditionalism regards tradition as a manifestation of the eternal truth. Adopting an explanatory-analytical method of presentation, the present article aims to find out what kind of relationship exists between traditionalism and religious epistemology. The transcendental unity of religions is one of important elements of the discourse of traditionalism which reflects its approach to religion.

Traditionalists, by emphasizing variety in religions, the principle of orthodoxy, the distinction between the manifest and hidden, and the innate unity of religions, endeavor to remove the differences among religions so that they can grasp their common essence. From this point of view, the differences among religions are at the surface. Deep down, all religions share the same common core. As traditionalists believe in the unity of religions and their underlying transcendent principle along with a corresponding principle underlying human interior, they have paved the way for interaction among religions. As intuitionist perceptions, revelation, and God constitute the foundations of traditionalism; we can evaluate it based on divine religions. But as traditionalism does not draw on any specific religion and considers all of the same importance it cannot be adapted to one specific religion.

Key Terms: *traditionalism, religious knowledge, belief, theosophy, transcendent unity of religions, religious epistemology, religious pluralism.*

* Allameh Tabatabai University

hasanzadeh@atu.ac.ir

** Allameh Tabatabai University

m.sheikh@atu.ac.ir

Cell Theory of Morality with an Emphasis on Allameh Tabatabai's Views

Abdollah Salavati*

Abstract

The various theories in the field of meta-ethics dissolve when they are reduced to moral principles which lie ultimately at the junction of being either universal or non-universal. The present article is an attempt to introduce a third alternative which is different from the other two. The third alternative treats morality as a living cell with a non-reducible core. The core consists of dos and don'ts. It expands or retracts; in other words, it gets stringer or weaker depending on its presence in the context of religion, ecosystem and the kind of human being. The moral cell has a universal hard core in all different contexts though its realization in different contexts is not universal. The aim is to answer to the following basic question: How can ethics be both universal and non-universal for Allameh Tabatabai? The study concludes that Allameh Tabatabai's cell theory include four diverse cores. The first core is non-reducible and universal, while the other three can take different realizations and in this sense they are local and non-universal. Some of the decrees and accessories of the cell theory include: first, the division of morals to conventional ethics and transcendental ethics; second, the diversity of recognition and moral judgment; third, the resolution of conflict between pun dependence of religion and morals and independence of the two from each other; fourth, revocation of fixed lines between the necessary, hermaphrodite and extremist sacrificial treatments; and fifth, the substantial difference between moral cell theory and moral relativism.

Key Terms: *cell theory of morality, moral relativism, religion, Allameh Tabatabaei.*

* Shahid Rajai University
Reception date: 94/8/8

a.salavati@srttu.edu
Acceptance date: 95/3/29

A Joy-Seeking Look on Creation

Hossein Moghiseh *

Abstract

Man's happiness and salvation, first of all, depends on his type of worldview and mentality. The type of outlook one assumes can create hope, vitality, and vigor or on the one hand and dejection, despair, hatred and pessimism on the other hand. From this point of view, pain and the treatment of pain are both internal, though the effect of external factors can not be underestimated. There is a large number of people who subsist on basics but they live a happy life and have good relations with other people. On the other hand we can see people who enjoy the highest level of welfare facilities, but they feel they are stuck and fed up with their lives. As they suffer from lack of internal support they experience a feeling of absurdity and they think they have reached the end of their lives. The people who commit suicide are of this type. An understanding of the ultimate purpose of creation and philosophy of human existence are among the blessed thoughts that can help human beings assume valuable sublime outlooks. In this worldview, the compassionate and merciful God Who is the ultimate source of goodness, joy and compassion has created man to feel pure all-inclusive eternal intellectual delight which starts in this world but continues eternally. The present paper aims to develop this theme drawing on Quranic verses and traditions.

Key Terms : *intellectual delight, pure infinite joy, philosophy of existence, hell, immortality of hell dwellers .*

* Shahid Beheshti University

h_moghiseh@sbu.ac.ir

The Value of Knowledge from Zagzebski's Point of View

Mohammad Reza Bagheri*
Majid Mollayousefi**

Abstract

In Meno dialogue, Plato points to a problem, which, nowadays, is known as value problem among epistemologists. This problem stems from two accepted premises in the field of epistemology. Based on the first premise, knowledge is implicitly defined as true justified or warranted belief. The second premise also makes the point that the value of the justification or warrant at least appears to be derived from the value of true belief and thus it is reducible to the value of truth. Taking these two premises into account, Zagzebski claims that externalist theories and particularly reliabilist theories cannot escape from the trap of the value problem. Zagzebski's suggestion for explaining the extra value of knowledge is the reconsideration of the relationship between knowledge and knower. Like acts, which gain extra value from the actor's motives, belief gains extra value from the possessor's epistemic motives and reach to the level of knowledge. She believes that love of truth is the most basic motive which makes knowledge more valuable than mere true belief. Although Zagzebski's explanation of the extra value of knowledge has not faced the problems which reliabilists struggle with, her explanation is subjected to serious criticisms of a different kind which are addressed in part in the present paper.

Key Terms: *value problem, Linda Zagzebski, reliabilism.*

* University of Zanjan

mrbagheri65@gmail.com

** Ghazvin Imam Khomeini International University

mollayousefi@yahoo.com